

من به تو حسادت می‌کنم

خانم یاسمن مقبلی عزیز سلام. حالا که من این‌ها را می‌نویسم شما خیلی از زمین فاصله دارید و اصلاً ممکن است تا ابد هم ندانید یک زن نویسنده هموطن شما این چند خط را خطاب بهتان نوشته. بگذار راحتتر خطابتان کنم یاسمن عزیز.

من و تو هرچه نباشد هم‌سنیم. می‌دانی من وقتی دیدم تو دو تا بچه پوشکی را گذاشته‌ای زمین و با آن لبخند و آن اعتمادبنفس که نه نیاز به عمل رینوپلاستی داشت و نه آرایش و نه کاشت ناخن و... و داری می‌روی فضا خوشحال نشدم. اصلاً هم از غرور باد نکردم خودم را که ببین زن ایرانی تا کجا رسید! به جاش حسادت کردم. راستش توی این جغرافیا چیزی که بیشتر از همه این روزها دلمان را تسخیر می‌کند بخل و حسادت است. دروغ چرا... با خودم فکر کردم چرا باید تو برسی آنجا و ما بمانیم اینجا و هر روز اخبار مزخرف مملکت رو به نابودی‌مان را دنبال کنیم تا ببینیم برایمان چه آشی می‌پزند. چرا ما باید برای اینکه بچه کوچکمان را می‌سپاریم به مهد یا می‌دهیم چند روز در هفته مادرشوهر ضدزنانمان نگه می‌دارد باید به هزار نفر جواب پس بدهیم آن وقت شما بچه‌هات را می‌گذاری روی زمین و می‌روی فضا.

چرا ما باید برای پسندیده شدن از سوی مردان هموطن و بستن دهان زنان باوهگو تمام وقت و پول و انرژی‌مان را توی سالن‌های زیبایی حرام کنیم و تو هی تمرین فضاوردی و راه رفتن روی سیارات دیگر را بکنی.

چرا من که هم‌سن تو هستم باید فکر کنم تمام امکان‌های محدود و نه‌چندان درخشانی که تا سال پیش در زندگی داشتم، حالا بواسطه چهل ساله شدن ندارم؟

راستی شما آنجا که شوهرت نیست و توی فضایی چطور قوانین را رعایت می‌کنی؟
ناشزه محسوب نمی‌شوی؟

نفقه چطور؟ می‌دهد؟

اصلاً اجازه گرفتی از شوهرت که رفتی آن بالا، آن هم با سه تا مرد غریبه توی یک کابین بدون جاذبه؟

به غرور و مردانگی شوهرت خدشه وارد نشد که زنش بشود تیتر یک اخبار جهان و خودش بماند خانه با دو تا بچه؟
دهانت را صاف نکرد؟

تمام سنگ‌های آمریکا را پیش پایت نینداخت؟

تهدید نکرد سرت را می‌برد؟

ممنوع‌الخروجت نکرد؟

نکنه مهریه‌ات را بخشیدی برای این سفر؟

من به تو حسادت می‌کنم که ذهنت از معادلات سخیفی که اینجا برای زن‌ها طرح می‌کنند، وارهیده آنقدری که زمین برای تو کم باشد.

می‌دانی یاسمن، اینجا زن‌ها را هنوز با بکارت، با موی سر، با لباس، با رضایت شوهر، با آبروی پدر متر می‌کنند.

تو ولی پایت را روی سیاره دیگر بگذار.

آنجا که شاید به خدا نزدیکتر باشد. به خدا بگو تو از زن ایرانی بودن فقط نامش را داری.

اصل کاری‌ها جای دیگر دارند می‌سوزند.

این آزادی و آزادگی کوفت نشود دختر جان. دست خدا.

الهام فلاح